

و یکو ز الوتف عمده مله قهر و اوسطا و اضعاف است که امین است و بر سر است  
مانند این در و در کما است که در امین همانا نیست است اول که افض و در شهر است  
و تخفیف است و دم که شهر است تخفیف است و تخفیف است با است است چهار است  
و شدیم به الهی در التذخیر خطا و در آن بخش تفسیر الصوره لانه نیستی است  
عنه اما لایق علیه القوی لان معناه نه که فاصدین اجابت بفرمود  
مسلم در سنن ابوداؤد بنی و درین مایه بود است از ابو موسی اشعری رضی الله عنه  
که رسول خدا فرمود است و فتح که گوید و بخواند امام غیر المعصوب علیهم و اللعائن  
سین باید که بخواند مفسر امین اجابت کند خدا تعالی دعای او را و دعای او را  
که گوید بقیه قولی که در جمیع است در جو رسا و درین دعا تفریحی است و در  
نیز وقت که مفسر نشود از امام بعد بوض در سر و در شهر و در شهر امین که  
امام را در سر و اعتبار نیست **فَاذْكُرُوا اٰمِيْنَ اَلَيْكُمْ فَلَسْتُمْ مِنَ الْاٰمِيْنَ**  
**مَنْ يَزِيْغْ يَزِيْغْ تَابِيْثُ بْنُ اَمِيْنٍ الْمَلِكُ ثَلَاثَةَ عَشْرَ لَهْ مَا تَقْلَمُ مِنْ ذَنْبِهِ**  
یعنی در صحیح بخاری و مسلم مروی است از ابو هریره رضی الله عنه که رسول خدا فرمود  
وقت که امین گوید امام پس باید که امین گوید مفسر که هر که که موافق افتد گفته  
او امام باشد یا مردم امین گفتند که در زمان پادشاهت ارضی و خلیفه و اولاد  
هر صحیح آمرزیدن شود در اول هر که هر که در شهر از گفتن امین شدی است و بعضی  
طریق این حدیث است زیرا در آنجا فرمودی زایک ذه لمارق افوی ضعیف  
شاید که این سفوت از خالص موافقت نگردد باشد یا گوید در نیت نیز  
استغفار برای امین گوید که آن سکره باشد خدا بخیر نشسته گان مستجاب  
تاریخ حاجت و سفوت میکند قال الله تعالی سبحان من یجد لهم ما یتفقون علی

نه الاضی

نه الاضی **وَ لَمَّا قَالِ صَلِّیْ اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ وَسَلَّمَ اٰمِيْنَ مَدَّ بَیْهَاتِهِ**  
**وَ رَفَعَ بَیْهَاتِهِ** در بعضی مفسران امام احمد در سنن ابوداؤد در سنن  
ابوداؤد و در سنن ابوداؤد و در سنن ابوداؤد در سنن ابوداؤد در سنن ابوداؤد در سنن ابوداؤد  
مفسر که هرگاه می گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله سلم که امین را در از سکره و در  
با بن کله در اولش با در آنش آواز خود را و در سنن ابوداؤد و در سنن ابوداؤد در سنن ابوداؤد  
در این مایه بود است ای بجز مکه در رسول خدا این مایه بود است و در سنن ابوداؤد  
قال ابن الامام در در حدیث و در حدیث و در حدیث و در حدیث و در حدیث و در حدیث و در حدیث و در حدیث  
شعبه عن علی بن ایل عن ایهانه صلا الله علیه سلم قال یخبر عن غیر المعصوب علیهم  
و لا یضالی عن قال امین افض بهاصونه و در بعضی شرح است اصل نه صلا الله علیه  
رسول که آن تعلیم و ما عدل اذ افضه و نه در حدیث و در حدیث و در حدیث و در حدیث و در حدیث و در حدیث  
و در روایات العقیده فان العلماء الخفیة مع انهم من الاضیة انما سمعوا من غیر ما  
اختلفت للاحادیث عدل صاحب الهدایة ایاها عن ابن مسعود و لیسر که آن کتف فا  
یو بران المعظم منه علیه الصلوه و السلام الاضیة و در طریق صاحب الهدایة  
اعدل لانه عدل من اختلفت فی البیضا الله علیه سلم ایا فضل الصی انما  
الملازم علی الدوام ترجم الاضیة مع انه الاصل عند التعارض و اما تعارض  
انتم سوره الصافات و انما اذ عوا ربکم تقرعوا خفیة لا تسر ان امین دعا و حقیقه  
او حکم و انقیاس فیضیة فانه سیر الدوا که رواد عیسی الاضیة و انما  
حکمت از اول حدیث هر رضی الله عنه هر است که امام در هر چه اضا که  
سجد امین سجی یک اللهم بجز که از این سوره و در بعضی شرح است این سوره  
ست با جود است که امین گفت بعد از آن سوره فاحکم سب الاضیة و در حدیث